

بررسی جایگاه عاشورا در شعر اهل سنت هرزگان

سهراب سعیدی*

چکیده

عشق به حضرت امام حسین(ع)، در میان مردمان جنوب اعم از شیعه و سنی موج می‌زند از این رو هر ساله با شرکت در سوگواری آن امام شهید، این عشق و ارادت خود را به آن حضرت نشان می‌دهند. شاعران هرزگان نیز، در اشعارشان محبت خود را در وصف خاندان پیامبر به ویژه امام حسین(ع) در اوج زیبایی بازتاب داده‌اند، که البته در این رهگذر فرهنگی، تنها شاعران شیعی مذهب به ابراز ارادت به حضرت اباعبدالله(ع) و نهضت ایشان نپرداخته‌اند، بلکه شاعرانی از اهل سنت نیز، جانمایه اشعار خویش را با ابراز ارادت به اهل بیت(ع) و عاشورا مزین ساخته‌اند. در استان هرزگان، ملا محمد نامی فتوحی - شاعر سنی مذهب قرن نهم بستک - اولین شاعر این استان است که در مرثیه حضرت امام حسین(ع) شعر سروده‌اند که با شعر ایشان پیشینه مکتوب مرثیه سرایی استان هرزگان در این خصوص را به ۵ قرن پیش می‌رساند، این مقاله با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه در پی آن است تا جلوه‌هایی از ارادت شاعران اهل سنت به قیام عاشورا و شخصیت والامقام حضرت حسین بن علی(ع)، نشان دهد؛ چرا که عشق به پیامبر(ص) و خاندان مطهرش چنان در میان شاعران اهل سنت موج می‌زند که برادران اهل سنت هر هفته در خطبه‌های نماز جمعه خود از حضرت امام حسن(ع) و حضرت امام حسین(ع) به عنوان سروران جوانان بهشت، یاد می‌کنند.

کلید واژه: امام حسین(ع)، عاشورا، هرزگان، شعر آیینی، شاعران اهل سنت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش میناب(نویسنده مسؤل)

sohrab_minab@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۷



مقدمه

حضرت امام حسین(ع) در حرکت فرهنگی و تاریخی خود که منجر به شهادت ایشان و یاران باوفایشان شد، ایثار، آزادی خواهی، شجاعت و از خودگذشتی و مبارزه با فساد را بنیان نهاد در واقع سالار شهیدان با قیام در مقابل بیداد و ظلم زمان خود، پایه‌های فولادین و عزم راسخ آزادی خواهی و مبارزه با جور را با فداکاری در تاریخ بنا نهاد از این رو همواره ایام پس از شهادت ایشان شاعران و نویسندگان به تمجید این فداکاری و مرثیت این جانبازی پرداخته‌اند که در این میان شاعران اهل سنت نیز از این اصل غافل نمانده‌اند به طوری که در استان هرمزگان، پیشینه مرثیه سرایی در شهادت حضرت امام حسین(ع) و یارانشان با اشعار شاعران اهل تسنن (نامی توفیق -) آغاز می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازتاب قیام دلاورانه امام حسین(ع) و یارانش در کربلا در ادبیات فارسی، تاریخی دیرینه دارد. نخستین شاعر شیعی که به منقبت اهل بیت(ع) پرداخته کسایی مروزی (متولد ۳۴۱ هـ ق) است:

باد صبا در آمد، فردوس گشت صحرا و آراست بوستان را، نیشان به فرش دیبا
(کسایی، ۱۳۷۴: ۵۲)

در ادبیات فارسی شاعران سنی مذهب زیادی داریم که به امامان عشق ورزیده‌اند و به نوعی ارادت خود را به خاندان پیامبر ابراز داشته‌اند؛ از آنجا که هدف این مقاله بررسی اشعار شاعران اهل تسنن هرمزگان است به صورت گذرا به پیشینه این نوع شعر در ادبیات فارسی نیز اشاره می‌کنیم و ضمن نام از شاعران سنی مذهب ادبیات فارسی بیت اول اشعارشان در مرثیت حضرت امام حسین(ع) را نیز ذکر می‌کنیم.

بیشتر شاعران اهل سنت ارادت خود را نسبت به امامان معصوم(ع) بیان کرده‌اند از جمله سیف فرغانی چنین سروده:

ای قوم درین عزا بگریید بر کشته کربلا بگریید

(فرغانی، ۱۹۵)

جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)، او همان شاعر و عارف مشهور قرن هفتم است که عواطف و احساسات خویش را نسبت به یاران اهل بیت(ع) و شهیدان کربلا چنین بیان کرده است:



کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی
 کجایید ای سبک روحان عاشق پرنده تر ز مرغان هوایی
 کجایید ای شهان آسمانی بدانسته فلک را در گشایی
 (مولوی، ۱۳۷۷: ۵۳۷)

و در مثنوی نیز در داستانی با عنوان «تعزیت داشتن شیعه اهل حلب هر سالی در ایام عاشورا» که با ابیات زیر شروع می‌شود:

روز عاشورا همه اهل حلب باب انطاکیه اندر تابه شب
 (مولوی، همان، ۹۶۷)

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که در ادبیات فارسی به «استاد سخن» معروف است، ارادت خود را به اهل بیت (ع) با سرودن ابیات زیر بیان کرده است:

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند؟ جبار در مناقب او گفته: «هل اتی»
 فردا که هر کسی به شفیع زند دست ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی
 (سعدی، ۱۳۷۸: ۶۴۸).

عبدالرحمان جامی، شاعر و نویسنده معروف در ۸۱۷ هـ ق در روستای خرچرد جام ولادت یافت، در وصف زیارت امام حسین (ع) قصیده‌ای چنین سرود که مطلع آن این است:

کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق، فرض عین
 (جامی، ۱۳۸۹: ۹۳).

اقبال لاهوری، اندیشمند پاکستانی در چند اثر خود به حادثه کربلا اشاره کرده است.

و آن دگر مولای ابرار جهان قوت بازوی احرار جهان
 در نوای زندگی سوز از حسین اهل حق! حریت آموز از حسین
 (اقبال، ۱۳۷۷: ۱۸۷)

عبدالله سنندجی، ملقب به رونق، اشعار زیادی در مدح و رثای اهل بیت (ع) دارد:

آه از دمی که شاه شهیدان کربلا آمد سوی مصاف به میدان کربلا



شیخ علی افندی، از دیگر محبان اهل بیت است. در عرفان و شرع و حکمت و اصول و حدیث سرآمد بوده و قرآن هم از بر داشته است.

به خون دیده جوهر دار کردم حرف تاریخش پدر در کربلا و خود شهید نینوا باشد
(شیخ احمدی، ۱۳۷۵: ۱۶۷)

شیخ رضا طالبانی، از شاعران نامی اهل سنت کرد است، که به زبان‌های کردی، فارسی، عربی و ترکی اشعاری را سروده است:

پیراهن شمع خدا یعنی حسین و مجتبی جان‌ها همی گردد فدا، سرها به یغما می‌رود
(صفی زاده، ۱۳۸۸: ۷۶)

ملک الکلام مجدی سقزی، متخلص به «مجدی» می‌سرایند:

ای توتیای دیده جان، خاک پای تو برتر ز عرش، بارگه کبریای تو
تارستخیز، خون جگر بر زمین چکد زان شاخ گل که بردمد از نینوای تو
تو تشنه جان سپردی و آب فرات هم بود از تو تشنه تر به لب جان فزای تو...
(صفی زاده، همان، ۲۲۱)

سیدمحمدباقر حیرت سجادی، ملقب به «رکن الاسلام» و متخلص به «حیرت» چنین سروده ای دارند:

ای مظهر جمال حق، ای حضرت حسین ای نقد عشق خاک تو بر کائنات دین
(همان، ۲۲۶)

سید محمود گلشنی متخلص به «گلشن کردستانی» نیز می‌سرایند:

به جسم خسته خون خدا بین به جان‌ها زخم بی مرهم نشسته
(اورامی، ۱۳۹۲: ۳۳۰).

قربان قلی قرجه، از شاعران بندرترکمن، اشعاری به زبان فارسی و ترکمنی در مدح و منقبت حضرت امام حسین (ع) سروده است:

گنج کان مصطفایی یا حسین بن علی نور چشم مصطفایی یا حسین بن علی
(همان، ۳۳۴).



عبدالغفور عظیمی، در اشعار خود علاوه بر درون مایه‌های گوناگون به مدح پیامبر و حضرت فاطمه (س) و ائمه اطهار (ع) نیز پرداخته است:

عاشقان صحنه دشت بلا را عشق کشت شاه مظلوم شهید کربلا را عشق کشت
(همان، ۳۵۰).

محمدعظیم عظیمی، اشعار زیادی در قالب‌های مختلف با موضوعات گوناگون به ویژه مدح و ستایش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) سروده است:

بر شاهد کربلا بگریید با نوحه و بانوا بگریید

(عظیمی، ۱۳۹۰: ۴۳)

محمدرضا سروش، در سروده هایش، ارادت خود را به اهل بیت پیامبر (ص) بیان کرده است:

حسین احیاگر دین خدا بود که خون قدسی اش سر بقا شد

(برفی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

در ادبیات فارسی، شاعران زیادی هستند که کلک خود را در مرثیت آن حضرت ارزشمند کرده‌اند در این مقاله به اندیشه شاعران اهل سنت، در مرثیه‌های زیبا درباره حضرت اباعبدالله (ع) و واقعه جان‌گداز کربلا اشاره می‌کنیم.

بیان مساله

با مطالعه در سروده‌های شاعران اهل سنت به وضوح دیده می‌شود که اهل سنت همواره نسبت به واقعه کربلا و شهادت سالار شهیدان و یارانش ارادت خالصانه داشته و این موضوع می‌تواند تشیع و تسنن را به هم نزدیک تر کند و باعث قوام، دوام و پیشرفت اهداف اسلام ناب محمدی شود. از آنجا که شاعران همواره در صدر کارهای فرهنگی بوده‌اند این مقاله به بررسی مرثیه‌های شاعران اهل تسنن هرمزگان در سوگ حضرت سید الشهداء (ع) می‌پردازد تا زمینه دوستی هر چه بیشتر اهل تسنن و تشیع را فراهم آورد.



ضرورت تحقیق

در این برهه از زمان که دشمنان با استفاده از جنگ نرم و تبلیغات دامنه‌دار و رسانه‌ای، آتش ضدیت علیه مسلمین را بیش از پیش تند کرده‌اند باید با تمسک به اندیشه حسینی که الحمدلله شیعه و سنی بر آن هم عقیده‌اند، به دور از اختلافات در جبهه‌ای واحد قرار بگیریم تا موفقیت مسلمین حتمی شود و دست دشمنان از طمع به کشور دوست داشتنیمان قطع شود.

پیشینه تحقیق

در هرمزگان چه در گذشته و چه در حال شاعران فراوانی بوده‌اند که کمتر به جامعه ادبی ایران معرفی شده‌اند که این نگارنده می‌کوشد در سلسله‌ای از مقالات خود، شاعران زادگاهش هرمزگان را معرفی کند. هرمزگان با قدمت تاریخی خود، شاعران و فرهیختگان فراوانی دارد که متأسفانه اثری جامع که بتواند زندگی و یادگار اندیشه‌های آنان را ثبت کند وجود ندارد؛ البته باید یاد آور شد که در سال ۱۳۸۶ آقای «سهراب سعیدی» در کتاب «تاریخ ادبیات میناب» زندگی و شعر شاعران میناب را از قرن ۱۲ تا کنون، به نگارش درآورد و خانم «لیلا سیاوشی» در کتاب «تذکره و شعر شاعران بندر لنگه»، نویسندگان و شاعران آن دیار را معرفی کرد. موسی بندری گزیده‌ای از شعر زنان هرمزگان را چاپ کرد و در نوروز ۱۳۹۸ پژوهشنامه اورمزد هرمزگان در یک کار فرهنگی ویژه نامه شعر شاعران هرمزگان را که شامل اشعار ۱۸۰ شاعر هرمزگان است را به چاپ رساند. استاد احمد حبیبی، دُرِ ذری در کناره‌های خلیج فارس را در سال ۱۳۷۷ چاپ کرده‌اند که در آن به معرفی شاعران هرمزگان پرداخته‌اند و در نهایت آقای مسعود هوشمند در سال ۱۳۹۲ کتاب «او هم حسینی» است به نگارش آورده‌اند. اما با این مقاله برای اولین بار اندیشه شاعران اهل سنت هرمزگان را در سوگ سروده‌های عاشورائیشان معرفی می‌کند.

بحث اصلی

آنچه از آثار مکتوب مرآتی در استان هرمزگان در دست داریم شاعران شیعه مذهب که بعضی از آنان به صورت تخصصی نوحه و عزا و عزا سروده‌اند. در شهر کهن میناب، شاعران با فهم این



نکته که نوحه گفتن و نوحه خواندن در رثای امامان پاداش اخروی و دنیایی دارد به شعر نوحه و مرثیه روی آوردند چنانچه از قرن ۱۱ تا کنون شاعران مرثیه سرای زیادی در میناب داریم که تخصصی نوحه گفته‌اند و شاعران میناب از سیصد سال پیش با سرودن دلنامه‌های گوناگون، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت ابراز داشته‌اند و بدین صورت گامی در جهت زنده نگه داشتن حماسهٔ نینوا برداشته‌اند. شاعران مرثیه‌سرای مینابی که در وادی مرثیه‌سرایی طبع آزمایی کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول مرثیه‌سرایانی که در یکی دو قرن پیش می‌زیسته‌اند و اینک دیگر در میان ما نیستند از جمله: عبدالله منصف علیایی، حسین مسیحا، ملا محمد معروف، حسینعلی قضائی، محمد شفیع رنجبر (وارث لازم)، عبدالله واضح، مولا داد مستمع نوری، جاریه قضایی، ناصر محزون، مخلص محزون، راغب محزون، ذاکر، عجیبا، مشتاق ثانی. گروه دوم: شاعران مرثیه‌سرایی که سنت نوحه‌گری را همچنان ادامه می‌دهند و هم اینک معاصر با ما هستند از جمله: مرحومان سال‌های اخیر: حسن چملی نخل کار، ملا محمد قضائی (اخلاص) و مرحوم میرزا عباس مهدی حسینی و میرزا حسین نساجی و آقایان: عبدالرسول و کیل زاده، ناصر سلیمانی، غلاحسین حسینی قضائی (واعظ)، محمود رحیمی شهواری، ملا محمد زاهدی دهویی و محمدصادق نساجی. سابقه مرثیه‌سرایی میناب به صفویه و بیشتر به دوره‌ی قاجار - که نقطه اوج آن است - و حکومت پهلوی می‌رسد در این مدت شاعران بسیاری در این کهن دیار طبع زیبایی خود را در مرثیه‌سرایی مشکین نموده‌اند که از جمله این شاعران به منصف علیایی - پدر حسینعلی قضایی - می‌توان اشاره نمود که قدیمی‌ترین شاعری است که نوحه‌های پراکنده‌ای از وی بجا مانده است و او را می‌توان پدر مرثیه‌سرایی در میناب دانست.

در طرفی دیگر شهرستان بستک در غرب هرمزگان که بیشتر شهر شروه و ترانه است از قرن نهم شاعرانی داشته است که هر چند تخصصی نوحه و مرثیه نسوده‌اند، اما در بعضی از آثارشان به واقعه کربلا اشاره کرده‌اند که در این خصوص ملا محمد نامی فتوحی پیشتاز است. این مقاله به معرفی مرثیه‌سرایان اهل سنت هرمزگان در خصوص واقعه کربلا می‌پردازد.



ملا محمد نامی فتوی

محمد فتوی در فتویه از توابع بستک در سال ۸۱۰ یا ۸۱۲ به دنیا آمد. قاضی، مدرس و امام جماعت و جمعه بوده و بیشتر به مدارس دینی منطقه گوده می پرداخته و آثار مکتبخانه ای قدیمی در فتویه که مؤید این موضوع است، هنوز دیده می شود، نامی از شعرای مشهور و صلحای معروف، معاصر با شاه ابراهیم خان علاء الملک لاری بوده و غالباً به دعوت حاکم لارستان در آن مرکز به مباحث علمی و ادبی می پرداخته است» (هوشمند، ۱۳۹۲، ۵۶).

«محمد تخلص شعری اش «نامی» می باشد و در زمان حیات به «ملا محمد» و «قاضی محمد» معروف بوده است. در بعضی نسخ خطی تحت عنوان «مولانا نامی فتوحی» نیز از او یاد شده است» (حبیبی، ۱۳۷۷:۲۱۳).

ملا محمد نامی فتوی در این شعر بسان دلده ای عاشق، ارادت خود را به حضرت امام حسین (ع) نشان می دهد:

ای یادگار حیدر کرار یا حسین	ای نور چشم احمد مختار یا حسین
الحق تویی خلاصه ابرار یا حسین	ای طلعت تو مطلع انوار یا حسین
دارم من از صفات تو اخبار یا حسین	ذات تو جوهر درج کرامت است
اول به عجز می کنم اقرار یا حسین	وصف کمال چون تو، منی راکجاست حد
سبط رسول زبده ی ابرار یا حسین	تو گوشوار عرش عظیمی زهی صفت
مانده سیادت از تو به آثار یا حسین	تو اصل نسل قدوه ی سادات عالمی
مخفی است در تو عالم اسرار یا حسین	داده خبر به سر نبوت ولایت
آخر تویی به مدح سزاوار یا حسین	گر ذکر مصطفی کنم و یاد مرتضی
خصم تو باد خوار و زیان کار یا حسین	خرم کسی که لاف ز مهر تو می زند
دُرّ اولیاست از تو پدیدار یا حسین	اول بر انبیاست موکل بلا بلی
مشهور شد به وادی خون خوار یا حسین	تا مبتلا به بادیه ی کربلا شدی
خاک سیاه بر سر اشرار یا حسین	در حیرتم که فوج ملایک نریختند



از سیر مانده کوکب سیار یا حسین
 بر شد به بام گنبد دوار یا حسین
 چون روز روشن است شب تار یا حسین
 تا کردمی به خصم تو پیکار یا حسین
 باشی یقین تو قافله سالار یا حسین
 راضی شدی به قسمت جبار یا حسین
 نیش سگ است آهوی تاتار یا حسین
 از قاتل تو گشت پدیدار یا حسین
 شد در کمند بوم گرفتار یا حسین
 گل را درید پیرهن از خار یا حسین
 کانهاست اهل وحشت و آزار یا حسین
 تا بشنوید از در و دیوار یا حسین
 یک بار و احسن به و یک بار یا حسین
 عفو موالیان گنه کار یا حسین
 خاموشی ام به است ز گفتار یا حسین
 جویم دوی درد دل آزار یا حسین
 اما اگر دهند مرا بار یا حسین
 (هوشمند، ۱۳۹۲: ۲۱، شعر محمد نامی فتوی).

در قرص ماه، چشمه ی خور تابشی نماند
 آفاق خیره گشت مگر دود آه من
 آتش ز حرف مویه گران بس که شعله زد
 مُردم ز غصه کاش در آن دور بودمی
 گر طی راه قرب خدا در بلا کشی است
 در جام زهر صبر چو شهد شهادت است
 فعل یزید قصد حیات است فی المثل
 ظلمی که هیچ کافر حربی روانداشت
 آزادگی تو راست چو سیمرخ قاف قرب
 در باغ عیش غنچه راحت دهان بیست
 بغداد و بصره، ری و کوفه خراب به
 ای جمع انس و جن همگی مستمع شوید
 ای دوستان به یاد شهیدان چو دم زنید
 حب علی و آل علی روز حشر بس
 تا کی ز فعل مدبر ظالم نفس زخم
 آیم به روح گرد حریم تو در طواف
 در مشهد تو بخشش، نامی طلب کنم

ملا محمد نامی فتوی، در قصیده خود حضرت امام حسین (ع) را خلاصه ای همه جوانمردان
 می داند و او در وصف امام حسین (ع) به عجز افتاده و نمی داند چگونه خصایل آن اما بزرگوار را
 بیان دارد ولی در نهایت ذوق رادت خود را به آن امام بزرگ بیان می دارد و آرزو می کند کاش
 در عاشورا بود و می توانست با دشمنان آن حضرت که شمر و یزید و... بوده اند جنگ می کرد و در
 رکاب آن حضرت شهید می شد. ملا محمد فتوی به عنوان شاعری سنی مذهب به گونه ای آن



امام را دوست دارد که حتی حاضر است جان شیرین خود را فدا کند و این اوج دوست داشتن آن حضرت توسط این شاعر بستگی قرن نهم را می‌رساند. نامی فتوی‌ی در شعر دیگر نیز ارادت خود را به آن امام مقدس اینگونه بیان می‌دارند:

مشعل دلفراز من وا حسن است و یا حسین
مویه سینه سوز من وا حسن است و یا حسین
روز محرم است و شب روی جهان پر از تعب
ذکر من از سر ادب وا حسن است و یا حسین
بر هدف است تیر من شاه نجف امیر من
غلغله و نفیر من وا حسن است و یا حسین
شهره شهر و کوبه کوصف زده خلق روبرو
هر طرفی به های و هو وا حسن است و یا حسین
شد ز علی مرتضی گوش دلم پر از صدا
از غم خوارجم ادا وا حسن است و یا حسین
می‌کنم از دو چشم جان بردوشهید خون فشان
درد من از زبان جان وا حسن است و یا حسین
مویه کنان و نعره زن هرچه گشاده‌ام دهن
نغمه زیر و زار من وا حسن است و یا حسین
خسته‌ی زخم کاری‌ام، مرده ز بی‌قراریم
نوحه و سوگواریم وا حسن است و یا حسین
کوی بلاست منزلم، صبر کجاست در دلم
آخر کار مشکلم وا حسن است و یا حسین
گفت و شنود کس به کس از همه شهر پیش و پس
دم به دم و نفس نفس وا حسن است و یا حسین



مائده‌ی حیات من، فایده‌ی نجات من
تا برسد وفات من و احسن است و یا حسین
نامی خسته دل کنون نامه نشان کند به خون
ز آنکه برون و اندرون و احسن است و یا حسین
(همان، ۲۴)

نامی فتوی‌ی در غزل فوق نیز به مانند قصیده اول ردیف یا حسین را برای اشعارش می‌آورد و در هر دو شعر به عنوان دلداره‌ی عاشق به وصف خوبی‌ها و رشادت‌های آن امام به سوگ می‌نشیند. اشعار نامی فتوی‌ی که چون نوحه گویان علاوه بر غزل در قالب قصیده هم تخلص و نام شعری اش را می‌آورد به گونه‌ای است در مرحله اول فکر می‌کنی با شاعری شیعه مذهب روبرو هستی، اما ارادات ایشان به امامان پر از اخلاص و از روی قلب و ارادت است.

حاج مصطفی خان بستکی

حاج مصطفی خان بستکی، معروف و مشهور به فایز بستکی نیز در مرثه حضرت امام حسین (ع) اشعاری سروده‌اند که بررسی و خوانش آن خالی از لطف نیست:

برگ عزا ساز کن ماه محرم رسید	مرکب شادی برفت قافله غم رسید
جبه اطلس بکن جامه‌ی نیلی پوش	جام می از کف بنه نوبه ماتم رسید
شد به سر ایام عید، ماه عزا را بسین	با رخ چون کهربا، با کمر خم رسید
زین غم از حد فزون، از دل لبریز خون	خون ز دو دیده روان گشت سوی یم رسید
دیده دوران ندید آنچه رسید از یزید	بر سر شاه شهید بر دگری کم رسید
شمر لعین لئیم، کرد شهید آن کریم	بر سر عرش عظیم، لرزه دمامد رسید
خار چنین ماتمی دیده‌ی حوا خلید	سوز چنین آتشی بر دل آدم رسید
نوح ز طوفان خشم کشتی غم بر کنار	آه خلیل از سما تا به سمک هم رسید
موسی عمران ز تن چاک زده پیرهن	بهر عزا خوانیش عیسی مریم رسید
ناله کن افلاکیان، خاک به سر خاکیان	مظلومه‌ی کافران بر همه عالم رسید



زین غم افزون ز کوه، پشت فلک شد ستوه از عمل این گروه بر قد من خم رسید
باغم و سوز و گداز فایز مسکین بساز ز آنکه به هر اهل راز هم غم و هم، هم رسید
(هوشمند، ۱۳۹۲: ۲۶، شعر مصطفی خان فایز بستکی).

فایز بستکی، بر این عقیده است که در سوگ حضرت امام حسین (ع) باید جامعه نیلی پوشید چون
ماه عزا رسیده است و به شمر و یزید و مسیبان قتل آن حضرت لعنت می فرستد. فایز در شعری دیگر
از پیامبر می خواهد که آل خود را که در کربلا شهید شده اند با رخ گلگون ببیند:

یا محمد آل خود را با رخ گلگون ببین این شقاوت راز دست چرخش گردون ببین
ظلم شمر آن کافر بی دین و بدآیین نگر جور بی حد و شمار آن سگ ملعون ببین
حنجر پاک حسین از خنجر او چاک چاک سینۀ زیبای اکبر را چنین پر خون ببین
ام لیلی از غم اصغر گریبان کرده چاک زینب از بهر حسین با ناله افزون ببین
بر سر نیزه سر آن شاه دین پرور به شام جسم پاک او به خاک کربلا مدفون ببین
حجلۀ قاسم ز ظلم پور سعد بد سیر در عزایش پاره پاره رنگ نلگون ببین
گردن زین العباد از غل اعدا در تعب جمله تن های اصحابش به زیر خون ببین
در لب نهر فرات از بهر یک پیمانۀ آب چشم اهل بیت را چون چشمه ی جیحون ببین
اهل بیت خویشان بی چادر و زیور نگر در میان دشمنانشان با دل پر خون ببین
انس و جن و وحش و طیر از بهر ایشان درفغان گریه و زاری من از جملگی افزون ببین
یا الهی حشر فایز کن تو با آل عبا حب ایشان در دل او را ز حد بیرون ببین
(همان، ۲۷)

فایز در این شعر، بسان نوحه گویان قرن ۱۲ میناب ارادت خود را با ذکر تمام مصائب و سختی های
کربلا و رنج و محنتی که بر آن امام بزرگوار و خانواده و یاران با وفایش رفته بیان می کند و از
خداوند می خواهد که دوستی اهل بیت را از دلش بیرون نکند و او را با آن امام (ع) در روز قیامت
محشور گرداند.



شیخ عبدالرحمن (همت بستکی)

همت بستکی، یکی از شاعران بستک است که به سال ۱۲۷۴ هـ ق در بستک به دنیا آمد، ایشان شاعری اهل علم و عرفان بود و که در مرثیت حضرت امام حسین (ع) و یاران با وفایش مرثیه‌های جانگدازی دارد؛ گویی همت با اشعار مرثی، حسین مسیحا - شاعر مینابی قرن ۱۲ - هم آشنایی داشته که در یکی از ابیات شعرهایش به این موضوع اشاره می‌کند:

به گوش از عالم غیبم سحرگه این ندا آمد
که شادی کن زدل بیرون که ماه غم فزا آمد
ملک در عالم بالا عزا دارد همی بر پا
که قتل زبده‌ی اولاد خیر الانبیا آمد
خلیل از غم فغان دارد، کلیم از دیده خون دارد
مسیحا چهره می‌خارد، ز نوح افغانها آمد
رسول از غم بسی محزون، بتول از غم جگر پر خون
و با چشم گهر افشان علی مرتضی آمد
قرین با درد و غم آدم، دل حوا بسی پرغم
چه گویم من کازین ماتم چه‌ها رفت و چه‌ها آمد
جهان پرشور، دل پر خون، ملک اندر فلک نالان
زارض از ناله و افغان و غلغل بر سما آمد
فلک گشته است نیلویوش و دل از نار غم پر جوش
دلا دائم زغم بخروش که دلها مبتلا آمد
رود بر طارم اعلا فغان و آه و واویلا
قیامت آمده بر پا عجب روز بلا آمد
شه دین خسته و عطشان و آلس العطش گویان
ازین غم چشمه‌های خون بسی از چشم‌ها آمد



سیه پوش آمده حوران، جگرخون آمده رضوان
که اندر دست آن دونان اسیر آل عبا آمد
رسد بر آفتاب و ماه، فغان و ناله و هم آه
که بر آل رسول الله از آن دونان جفا آمد
شهید آمد علی اکبر، قتیل آمد علی اصغر
اسیر آل نبی یک سر جهان ماتم سرا آمد
سران آن چنان شاهان بریدند آن ستمکاران
به دار آمد سر آنان که شاهانشان گدا آمد
زخونش دامن گردون شفق گون گشت همچون خون
که آن سلطان کفن گلگون به دشت کربلا آمد
به بوسه گاه پیغمبر گلوی شاه دین شهپر
کشید آن شمر دون خنجر چنین یارب چرا آمد؟
بدم من کاشکی آنجا که می کردم فدا جان را
که آن شاهنشاه والا به راه حق فدا آمد
بیا همت از این ماتم قبا کن پیرهن هر دم
که از این ماتم پرغم، به عالم شوورها آمد
(هوشمند، ۱۳۹۲: ۳۵، شعر همت بستگی).
همت بستگی بر این باور و عقیده است که ماه محرم، ماه عزای هم برای شیعه و اهل تسنن است.
این ماه عزای حضرت اولاد آدم است و همه باید سیاه پوش باشند؛ همت در اشعار مرثیاتی اش به
شهادت حضرت امام حسین (ع) و سایر شهیدان کربلا بخصوص حضرت علی اکبر (ع) و حضرت
علی اصغر (ع) اشاره‌های فراوان داشته است.
سیه پوش گردیده دیگر فلک دگر در فلک ناله دارد ملک
دگر می رسد ناله‌ها بر سماک دگر می رود ژاله‌ها تا سمک



دگر ریخت بر فرق ما چرخ خاک
 چه روز است این روز قتل حسین
 فلک کوکب از دیده بارد چو شمع
 حسین گزین خورد هفتاد تیر
 نه خود او بکشند آن ناکسان
 زنانش اسیر آمده سر به سر
 چنین جور کان شاه از آنان بدید
 از این درد خون شد دل خسته ام
 تو همّت بیا، رو به درگاهش آر
 (هوشمند، همان، ۴۰)

دگر ریخت بر فرق ما چرخ خاک
 چه روز است این روز قتل حسین
 فلک کوکب از دیده بارد چو شمع
 حسین گزین خورد هفتاد تیر
 نه خود او بکشند آن ناکسان
 زنانش اسیر آمده سر به سر
 چنین جور کان شاه از آنان بدید
 از این درد خون شد دل خسته ام
 تو همّت بیا، رو به درگاهش آر

محمد علی غیرت بستکی

محمد علی غیرت فرزند محمد حسن غیرت بستکی به سال ۱۳۰۱ شمسی در بستک پا به عرصه جهان گذاشت. نزد پدرش و در مکتب خانه های محلی آن روزگار به فرا گرفتن قرآن و حدیث و ادبیات پارسی و عربی پرداخت. شعر نیکو می سرود و طبعی روان داشت این شاعر بستکی نیز به مانند سایر همشهریان در مرثیت عاشورا و حضرت امام حسین (ع) اشعار سوگ دارد که به نمونه هایی در این خصوص اشاره می کنیم:

پیش جمال قدر او ماه ندارد آبرو
 آه به بی گناهی اش خنجر تیز بر گلو
 ای دل خسته چاره کن پاره جهل را رفو
 وای بر آن گناهکار چون برسد به آرزو
 کشته به دشت ماریه تشنه لبان کنار جو
 کشته حسین از غمش خلق جهان به های و هو

گل چه بود که با رخس لاف زند ز رنگ و بو
 نور دو چشم مصطفی جان عزیز فاطمه
 جامه عیش پاره کن ماتم او نظاره کن
 شاه جهانیان ببین بر لب نهر تشنه لب
 این پسر علی بود وارث علم مصطفی
 ماه حرام روز ده، پر ز بلاست کربلا



شمر لعین روسیاه، کرد چنین ستم به او
این ستم یزید بود لعنت حق بر او، تفو
کرد روانه پور سعد با سپهی جفای جو
شرم نکرد خنجرش، آن سگ زشت تندخو
خود ز قفا چه سان برید آن سر سرور نکو
روز جزا شود حسین پیش خدا به آبرو
یک پسر دگر بماند با غم و رنج، رو به رو
آه که اصغر جوان چون به ستم به خون فرو
هیچ نکرد این ستم دشمن گبر با عدو
جمله صحابیان او پر گل و خون روی و مو
برده سرش به نیزه ها، آه نمانده آبرو
هیچ نکرد قوم لوط این ستم و جفا به او
خاصه به آل مصطفی، لعنت حق بر آن عدو
سنگ ستم نمی کند خرد چنین تن سبو
از غم و ماتم حسین جان به فدای نام او
روز جزا شفیع ما باد حسین و آل او
او به سلام آمین رفت به امر فادخلوا
(حییی، ۱۳۷۵:۱۵۲).

به دشت گرم کربلا، گشته سرش به روی نی
آه ندادش آب کس، دادرسا به داد رس
پور زیاد نابکار ز امر یزید لعنتی
تا بُرد سر حسین، شمر لعین بد سیر
وای به حال آن لعین شرم نکرد این چنین
کرد خدا چرا چنین تا که شفیع مؤمنین
کشته شدی کس دگر از پسران او دو تن
وای که اکبر عزیز سینه ی اوست پر ز خون
حجله قاسم رشید، پاره به تیغ آن پلید
گردن زین العابدین خسته ز غل دشمنان
گشت به کربلا دفین جسم مبارک حسین
گر بچکد ز آسمان خون بلا روا بود
گبر و یهودی و مجوس ظلم چنین کجا کند
خشم خدای رفته بود بر سر آن گروه بد
غیرت دل شکسته خون می چکد ز دیدگان
هست امیدم از خدا آنکه به حق مصطفی
دشمن او الی الابد در سقر و جحیم بود

غیرت که چون نوحه گویان سنتی تخلص شعری اش را در پایان قصیده می آورد بر این عقیده
است که حضرت امام حسین (ع) و یرانشان بی گناه و در حالی که تشنه بوده اند در کنار نهر پر آب
کشته شده اند. غیرت شمر و یزید را لعنت می کند و ضمن اشاره به واقعه عاشورا به بعضی از
شخصیت های مهم دشت کربلا از جمله حضرت علی اکبر، حضرت علی اصغر (ع)، حضرت زین
العابدین و حضرت قاسم (ع) اشاره می کند. ایشان نیز مانند نوحه گویان مینایی از اصطلاح حجله



قاسم استفاده می‌کند که اوج اندوه را می‌رساند و در نهایت شفای خود را از آن امام بزرگوار طلب می‌کند.

مسعود هوشمند (فانی بستکی)

مسعود هوشمند فرزند محمد طیب، با سه پشت به مصطفی خان (فایز بستکی) می‌رسد، در سال ۱۳۴۷ هـ ش به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در بستک گذرانید و هم‌اکنون دارای مدرک کارشناس ارشد حقوق عمومی از دانشگاه علوم و تحقیقات است. ایشان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ ریاست انجمن شعر و ادب شهرستان بستک را به عهده داشته‌اند. در سال ۱۳۶۷ به استخدام سازمان ثبت احوال در آمد و در نهایت کوشش و تلاش برای رفع موانع و مشکلات حقوقی مردم شریف کوشیده است» (هوشمند، همان، ۴۲). وی در شعر به «فانی» تخلص دارد و اشعاری را در سوگ عاشورا دارند:

که پشت کوه گشته خم، از این ماتم	به جان و بر دلم آمد غم ماتم
حزین آمد غمی جانکاه بر جانم	فلک در ناله و نوحه که ظالم کشت
امام حق، همان شاه همه عالم	دل از این غم پریشان و همی نالد
ز درد دل چه سان گویم من از این غم	جگر خون و دلم خون و دو چشم خون
شد از این غم شب و روزان خراب از دم	چنین ماتم ندیده کس در این دنیا
که من از رنج این ماتم قدم شد خم	بگویم کاش جای تو سر من بود
به زیر تیغ آن ملعون حسین جانم	پریشان و دل افکارم از این غمها
به صحرای غم و اندوه گرفتارم	حسین شاه شهیدان سرور خوبان
از این اندوه بی پایان دل افکارم	به دریای ضلالت اندرست دشمن
که عقبی را فروخته او به این عالم	سرودند نیک از این ماتم مریدان
به بستک فایز و همّت ز پیشانم	اگر فانی فغان دارد روا باشد

(هوشمند، همان: ۴۲).



در نظر هوشمند از شهادت حضرت امام حسین (ع) پشت کوه هم خم می‌شود و این غم به گونه ای سنگین است که کل موجودات دو عالم را در بهت و اندوه فرو می‌برد. ایشان در اشعارش اشاره می‌کند که فایز و همت بستگی نیز که در شهادت حضرت امام حسین (ع) سوگ سروده دارند از اقوام ایشان هستند و ارادت به حضرت امام حسین (ع) در خانواده ایشان با وجود مذهب تسنن موروثی است و همه اجداد این شاعر نیز به خاندان پیامبر احترام و ارادت دارند.

پروانه بیابانی

پروانه بیابانی بعنوان نماینده زنان قدیمی هرمزگان کهن سال ترین زن شاعر هرمزگان است که هنوز هم در هوای شعر تنفس می‌کند و دیوان‌های شعر او در بین علاقه مندان دست به دست می‌شود. البته جاریه قضائی را شاید بتوان اولین شاعر زن هرمزگان دانست که آثار مکتوبی از او در دست که در دویست سال پیش در میناب زندگی می‌کرده و مرثیه‌هایی از آیین شاعر در کتاب «رخش بی سوار چاپ» شده است. پروانه بیابانی از شاعران اهل تسنن بندرعباس است که علاوه بر اشعار چاپی اش با موضوع طبیعت و اجتماع در مرثیه‌های اهل بیت، عاشورا و دفاع مقدس اشعار نغزی دارد. ایشان با توجه به کهولت سن هنوز ارتباطش را با شب خوانی‌های شعر و انجمن‌های ادبی حفظ کرده و شاعران جوان در فرصت‌های گوناگون خانه اش را غرق رفت آمد کرده اند؛ نمونه اشعار ایشان با موضوع محرم ذکر می‌گردد:

محرم آمد و دل می‌تپد برای حسین (ع)	شعار بزم سخن، نام دلگشای حسین (ع)
عروج پاک حسین است افتخار زمان	و جادوانه ترین عشق با ندای حسین
نماز عشق چه شیرین و باشکوه بود	اگرچه غرق به خون است دست‌های حسین
مرام راه حسین است درس مکتب ما	به عاشقان وفادار بر ولای حسین
درو بر همه شاهدان و جان بازان	علی‌الخصوص بر سقای با وفای حسین
بهانه شمع بود صادقانه پروانه	کند به شیوه عشاق جان فدای حسین

(بیابانی، ۱۳۹۱: ۲۹).



بیابانی در غزل محرمی اش مرام حسینی بودنش را نشان می‌دهد، همینطور به حضرت عباس (ع) نیز اشاره دارد که جان عزیزش را فدای آرمان‌های مکتب سید الشهداء نمود؛ پروانه بیابانی در رباعی دیگرش حضرت امام حسین را گنجی می‌داند که در کربلا مدفون است:

حسین سرچشمه مهر و وفا بود و نور دیدگان مصطفی بود
و آن گنجینه شهر مدینه نصیب خاک پاک کربلا بود
(همان، ۳۰)

پروانه بیابانی در غزلی دیگر نیز به ماجرا عاشورا اشاره دارد:

من سرگشته به عشق تو گرفتار شدم واله آن سخن و آن لب و گفتار شدم
شکر ایام وصال ز دل و جان کردم ز فراغ تو بسی زار و سزاوار شدم
می ز مینای لب لعل تو سکر آور شد من از آن باده بنوشیدم و هشیار شدم
تو به فردوس برین بار سفر بستی و من ای سفر کرده ز هجر تو عزادار شدم
تو سفر کردی و صد قافله دل همراهت من به آن قافله عشق جلو دار شدم
کوی تو کعبه دل‌ها شده ای پاک سرشت من به صد شوق به درگاه تو زوار شدم
رایت مهر تو بر دست ثریا دیدم محو آن شوکت و آن دست علمدار شدم
گاه پروانه شدم سوختم از عشق تو گه بلبل نغمه زنان گل و گلزار شدم
(پشت مشهدی، ۱۳۸۸، ۱۷، شعر پروانه بیابانی)

پروانه بیابانی، محوشوکت علمدار کربلا، سقای یتیمان است و از عشق آن حضرت مانند بلبلی به گلزار نغمه سوگ می‌خواند و تا می‌تواند از شهادت آن سرو قامت مویه می‌کند و به سوگ می‌نشیند.

محمد زین الدینی

محمد زین الدینی در سال ۱۳۵۶ در روستای بهده پارسین به دنیا آمد، لیسانس ایمنی و آتش نشانی دارد و کارمند در عسلویه است ایشان در دو قالب غزل و دوبیتی شعر می‌سرایند؛ مذهب



تسنن دارند و ارادت خود را به امامان شیعه همواره بر زبان هنری شعر بیان داشته است؛ نمونه شعر عاشورایی این شاعر را به تماشا می‌نشینیم:

ز تفسیر محرم می‌نویسم	قلم گر باشد از غم می‌نویسم
از آن شیر دو عالم می‌نویسم	از آن عشق حسین، عشق شهادت
از این راز مسلم می‌نویسم	چه زیبا نام و چه زیبا تر پیامش
ز عشق او دمادم می‌نویسم	نگاهش بر جهان ما بلند است
حسین را فخر آدم می‌نویسم	حسین سر لوحه عشق و شهادت
حسین نور مجسم می‌نویسم	ز نور عالم هستی، در اینجا
حسین را آب زمزم می‌نویسم	عزیز و نور چشمان محمد
ز خونم چون قلم غم می‌نویسم	قلم گر خسته گردد از نوشتن

(محمد زین الدینی، پاریان).

محمد زین الدینی بر این باورند که باید محرم را تفسیر کرد و تا می‌توان مکتب عاشورایی شیر دو عالم حضرت امام حسین (ع) را منتشر کرد تا پیام عاشورا به گوش جهانیان برسد. این شاعر از شهادت آن حضرت اندوهگین است و حاضر به جانفشانی در مکتب مولای بی کفن است.

عبدالسلام کتابت

عبدالسلام کتابت از شاعران اهل تسنن است که در سال ۱۳۵۷ در پاریان هرمزگان متولد شد، کارشناس ارشد روانشناسی دارد و مدرس دانشگاه است. وی که در قالب سنتی شعر می‌سرایند در مورد عاشورا نیز اشعاری دارند که غزل زیر ارادت ایشان را به حضرت امام حسین (ع) نمایان می‌سازد:

سالار دین و قره چشم پیمبری	در دل برنگ سرخ شهادت مصوری
بی سرفتاده ای تو به دشت بلا ولی	چون کشتی نجاتی و در خون شناوری
دین از قیام توست که سرو است قامتش	هیئات اگر به دشنه بیفتد صنوبری
این داغ توست قلب شقایق گرفته است	بالاله کرد سرخی خونت برابری



تگرار سوگ تو اگر چه سال هاست پروانه ایسم و شمع شب نامکرری
(عبدالسلام کتابت، پاریس).

عبدالسلام کتابت، با غزلی زیبای که برگرفته از دل و جان شاعر است در وصف خصائل آن
حضرت بر آمده‌اند و چون شعر ایشان از عمق جان بر آمده بردل و جان نیز می‌نشیند.

محمود متوکل

محمود متوکل در سال ۱۳۶۴ در پاریس هرزگان دیده به جهان گشود، کارشناس ادبیات فارسی
دارد و در حال حاضر بعنوان کتابدار، کتابخانه عمومی مشغول فعالیت است ایشان بعنوان مسئول
انجمن شعر و ادب پاریس در قالب‌های غزل، مثنوی، چهارپاره و سپید شعر می‌سرایند. متوکل
مذهب تسنن دارد و در اشعارشان بارها ارادات خالصانه ایشان را به حضرت امام حسین (ع) و یاران
آن حضرت نشان داده‌اند:

بعد از تو جهان چهره رنجور شده
با پای پیاده هم زیارت رفتند
هر کوچه صدای سنج و اصغر اصغر
آن روز تو را به آسمان می‌بردند
اما سر بی تنت... خدایا آندم
این مرگ همان طلیعه بیداری است
دل‌ها به صدای روضه‌ها می‌گرید
با خاک پر از تبرکت برگشتند
با چفیه سبز دیدنی بود پدر
یا عاشقی از درد و بلا دور شده
دور ویر آن بقعه پر نور شده
یک تکیه برای عاشقی جور شده
یک عده فرشته‌های مأمور شده
آن هم سر نیزه‌ای، نه مستور شده
تاریخ گواه خون منشور شده
لبخند ز چهره‌های ما دور شده
این بار که زائران مشهور شده
در آن اتوبوس سبز منظور شده
(محمود متوکل، پاریس)

محمود متوکل در غزل عاشورائی اش، بر این عقیده‌اند که پس از شهادت حضرت امام حسین (ع)،
لبخند از چهره اش دور شده است که حزن و اندوه ایشان را به این واقعه تاریخی دردناک
می‌رساند. محمود متوکل غزلی دیگر با این مضمون دارد:



آن ظهر نمازی که تو خواندی و چها شد
خونت که برون آمد و با خاک در آمیخت
صد شعله فرو مرد و هنوز پر داغیم
از فرط عطش بر سر یاران چه آمد
از خیمه که آتش بگرفت و به هوا رفت
اسبی که سرانگشت تو روی بدنش بود
فرزند نبی، سرور سالار حسین است
تکبیر تو و لحظه تیری که رها شد
آن خاک مقدس شده و کرب و بلا شد
آن داغ که منجر به شب تلخ عزا شد
دیدی سر شش ماهه که آنقدر جفا شد
جان تو که قربانی لا حول ولا شد
با شیئه درد آوری از خیل جدا شد
آن کس که گل سر سبد مکتب ما شد
(محمود متوکل، پاریس)

صابر رحیمی

صابر رحیمی در سال ۱۳۵۴ در روستای دهنک بستک متولد شد، فوق لیسانس ادبیات فارسی دارد و دبیر آموزش و پرورش شهرستان بستک و همینطور رئیس انجمن نویسندگان این شهرستان است. رحیمی در قالب قصیده، غزل، مثنوی، نیمایی و سپید و با درن مایه اجتماعی، فرهنگی و مذهبی طبع آزمایی کرده است. این شاعر سنی مذهب بستکی در قصیده زیر ماجرای شهادت حضرت امام حسین(ع) و یاران با وفای عزیزش را روایت می‌کند:

خداوندا چرا امشب چنین است
نه این مه نیست که امشب در زمین است
شب شام غریبان حسین است
قلم را تاب وصف کربلا نیست
مصیبت آنچنان بالا گرفته است
محمد شال غم بر گردن انداخت
سیه پوشیده زهرای مطهر
کجا دید آسمان اینگونه سقا
که مه در آسمان و هم زمین است
گل یاس امیرالمومنین است
زمین و آسمان امشب غمین است
که خود گریان شد و زین غم حزین است
که یوم الحشر و روز واپسین است
عزای سرور و سالار دین است
که روضه خوان کنون روح الامین است
دو دستش اوفتاده بر زمین است



چو می دانست امید آخرین است
 بهای آب عمود آهنین است
 حسینم، این امید آخرین است
 که عباس از سکینه شرمگین است
 گلی کز بوستان مرسلین است
 که بر لب صوت قرآن مبین است
 که انگشت از پی انگشترین است
 که شب هنگام تابان بر زمین است
 گمانم زین مصیبت شرمگین است
 که عبدی مفلس و از کمترین است
 غلامی کرده و از شاعرین است
 که نور دیده ی ام البنین است
 که شبه رحمه للعالمین است
 که شرمنده زلبه‌ایش زمین است
 که سجاد است و زین العابدین است
 که بعد از تو دگر دلواپسین است
 که احلی من غسل را برترین است
 به دیدار رخت مرگش قرین است
 قلم در وصفشان چون عاجزین است
 امید و آرزوی مومنین است
 حسین سالار فردوس برین است
 که مولا خود شفیع زائرین است
 (صابر رحیمی، بستک)

به دندان مشک را بگرفت و می رفت
 دریغان نزد نامردان دنیا
 بیای یکدم اخارویت بیینم
 مبر جسم مرا بر خیمه مولا
 کجا اینگونه گل از شاخه چیدنند؟
 که زد با خیزران بر غنچه ی یاس؟
 چنان پستی و ذلت رخنه کرده است
 کجا خورشید را بر نیزه دیدید؟
 چه شد مه را که پنهان پشت ابر است؟
 چه گوید این حقیرم در غم دوست؟
 اگر مولا دمی رخصت نماید
 تو را سوگند بر جان ابوالفضل
 به جان سرو مه سیمای لیلا
 بر آن شش ماهه ی در خون شناور
 بر آن بیمار تب دار ای حسین جان
 به زینب خواهر مظلوم و غمخوار
 به قاسم یادگار مجتبی است
 بر آن طفل سه ساله کز غم هجر
 بر آن هفتاد و دو آزاده در راه
 به والله شوق دیدار تو مولا
 شنیدم هاتفی اینگونه می گفت
 تو هم صابر به کوی کربلا رو



صابر رحیمی در قصیده مناسبی خود هم تخلص صابر را می‌آورد تا به سنت نوحه گویان میناب اشاره کرده باشد؛ شاعران مرثیه‌سرای هرمزگان در پایان همهٔ قالب‌های شعری، تخلص و نام شعری و هنری خود را ذکر می‌نمایند ولی در شعر فارسی ایران این امر فقط در قالب غزل نمایانگر می‌شود، به نظر می‌رسد شاعران هرمزگانی از ذکر نام خود در پایان همهٔ شعرهایشان چند هدف داشته‌اند: اول این که معمولاً شاعران در پایان شعر خود از پیامبر و خاندان پاکش درخواست دارند تا واسطه شوند و خداوند از گناه آن‌ها در گذرند تا در روز قیامت و جهان دیگر در بهشت با امامان محشور شوند. از این رو نام خود را در پایان شعرها آورده‌اند تا به هنگام خواندن نوحه‌ها، نوحه خوانان، شاعر آن سروده‌ها را نیز از دعای خیر خود فراموش ننمایند، دوم این که با نوشتن تخلص خود در پایان شعرها جدای از جلوگیری از سرقت ادبی نام خود را در یادها و یادگارها محفوظ بدارند و همین طور چون هیچ کدام از شاعران دیوان مستقلی نداشته‌اند و اشعار آن‌ها سینه به سینه و دست به دست می‌شده با نوشتن نام خود در پایان شعرها، اشعار خود را از دیگران جدا و متمایز می‌کردند. صابر رحیمی در قصیده سوزناکش آسمان و زمین و حتی فرشته‌ها را نوحه خوان و نالان حوادث کربلا می‌داند در شعر ایشان حضرت عباس (ع) بعلت نکام ماندن در رساندن آب به خیمه‌ها از حضرت سکینه (س) شرمگین است و شعر ایشان بیشتر در سوگ حضرت امام حسین (ع) و برادر با وفای آن حضرت، حضرت عباس سروده شده است که فضای حاکی از حزن و اندوه در این شعر برادر اهل تسنن موج می‌زند که باید به این حس پاک آفرین و احسنت و دستمیزاد گفت.

نتیجه‌گیری

عشق به پیامبر (ص) و خاندان مطهرش چنان در میان شاعران اهل سنت موج می‌زند که برادران اهل سنت هر هفته در خطبه‌های نماز جمعه خود از حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) به عنوان سروران جوانان بهشت، یاد می‌کنند. در استان هرمزگان، پیشینه مرثیه‌سرای در شهادت حضرت امام حسین (ع) و یارانشان با اشعار شاعران اهل تسنن آغاز می‌شود، نامی فتوی‌ی به عنوان دلده‌ای عاشق به وصف خوبی‌ها و رشادت‌های آن امام به سوگ می‌نشیند و اولین شاعر



مرثیه گوی هرزگان است. تمام شاعران عاشورایی اهل تسنن هرزگان حزن و اندوهی وافر در اشعارشان دارند، مانند نوحه گویان میناب تخلص و نام شاعری خود را در پایان اشعارشان می آورند و از حضرت امام حسین (ع) تقاضای شفاعت دارند تا بیدن گونه فردوس برین جایشان باشد. در نگاهی دیگر با مطالعه در سروده های شاعران اهل سنت هرزگان، دیده شد که شاعران اهل سنت همواره نسبت به واقعه کربلا و شهادت سالار شهیدان و یارانش ارادت خالصانه داشته و این موضوع می تواند تشیع و تسنن را به هم نزدیک تر کند و باعث قوام، دوام و پیشرفت اهداف اسلام ناب محمدی شود.

منابع و مآخذ

- اقبال لاهوری، محمد، (۱۳۷۷)، اشعار فارسی اقبال، محمود علمی، انتشارات جاویدان، چاپ سوم.
- اورامی، شاهرخ، (۱۳۹۲)، مهر رضوی (ع) و ادبای کرد، مشهد، بنیاد بین المللی فرهنگی هنری.
- برفی، محمد، (۱۳۸۸)، سیمای حسنین از منظر اهل بیت، ناشر مؤلف
- بنی عباسیان، محمد اعظم، (۱۳۹۰)، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک، بی جا، بی نا.
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۸۹)، دیوان جامی، تصحیح دکتر محمد روشن، انتشارات نگاه.
- جام، شیخ احمد، (۱۳۷۷)، دیوان احمد جام، تصحیح احمد کرمی، انتشارات ما.
- صفی زاده، فاروق، (۱۳۸۸)، امامان شیعه به روایت اهل سنت، مدحت.
- عظیمی، محمدعظیم، (۱۳۹۰)، دیوان اشعار، به کوشش فاطمه بیدختی و محمود رفیعی، هیرمند.
- حبیبی، احمد، (۱۳۷۴)، دُرِ ذری در کناره های خلیج فارس، قم، همسایه.
- حبیبی، احمد، (۱۳۷۵)، دیوان غیرت بستکی، قم، همسایه.
- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۸)، دیوان اشعار، تهران، ماندگار.
- سندیجی میرزا عبدالله، (۱۳۴۴)، حدیقه امان الهی، تصحیح و تحشیه دکتر خیامپور، تبریز.
- طالبانی، رضا، (۱۹۴۶م)، دیوان شیخ رضا طالبانی، بغداد، معارف.
- کریمی، نصرالله، (۱۳۹۰)، پارسیان پاسبان خلیج فارس، تهران، انتشارات همسایه.



- مروزی، کسائی، (۱۳۷۴)، دیوان اشعار، به انتاب جعفر شعار، تهران، بنیاد.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۶۳)، دیوان شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، امیرکبیر، چاپ سوم.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۸۵)، مثنوی معنوی، به کوشش پرویز عباسی داکانی، انتشارات الهام.
- هوشمند، محمد طیب، (۱۳۷۰)، دیوان اشعار مرحوم حاجی مصطفی خان فایز بستکی، دبی، چاپخانه بن دسمال.
- هوشمند، محمد طیب، (۱۳۷۵)، همت بستکی در قلمرو شعر و ادبیات فارسی، دبی، چاپخانه بن دسمال.
- هوشمند، مسعود (۱۳۹۲)، او هم حسینی است، قم، حماسه قلم.

ب. مقالات

- شیخ احمدی، سیداسعد، (۱۳۷۵)، «محبت اهل رسول و شاعران کرد»، فصلنامه مشکوه، ش ۵۰،